

تبیین قرآنی پیوستگی ثقلین و شب قدر*

هادی زینی ملک‌آباد^۱

سیداحمد عقیلی^۲

محمدرضا عامری برکی^۳

چکیده

از آیات سوره قدر و دلایل عقلی و نقلی دیگر به روشنی دانسته می‌شود که شب قدر منحصر به سال خاصی نیست و در هر سال شبی وجود دارد که از هزار ماه برتر است. آن شب فرشتگان به همراه روح به زمین فرود می‌آیند و مقدرات معین شده از سوی خدا را تا شب قدر سال آینده به زمین می‌آورند. از طرف دیگر، از تفسیر آیات این سوره استنباط می‌شود که فرشتگان در شب قدر مقدرات را به نزد «حجّت الهی» می‌آورند و بر حضور مبارکش عرضه می‌کنند؛ این حقیقت با تصریح فعل مضارع «تَنْزَلُ» دلالت بر تجدید و استمرار داشته و نزول ملائکه و روح را همه‌ساله تا قیامت اثبات می‌نماید. هدف پژوهشی مقاله آن است که به روش استدلالی با اتکاء به تفاسیر دینی، به تبیین این مسئله بپردازد که منزلگاه فرشتگان آستان مبارک ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و آخرین ایشان امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الشریف) است. سوره مبارکه قدر بهترین دلیل برای اثبات امامت و حقانیت تشیع است و در عصر حاضر «امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الشریف)» همان کسی است که فرشتگان به محضرش شرفیاب می‌شوند تا مقدرات الهی به دست ایشان امضا گردد.

واژگان کلیدی

شب قدر، امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الشریف)، ثقلین، ظرف زمانی، ظرف مکانی.

مقدمه

همراهی و پیوستگی ثقلین (قرآن و عترت) از امور مسلم در اندیشه اسلامی است که همراهی‌ای جامع و فراگیر از جهت زمانی و مکانی است. بر این اساس در شب قدر و ماه مبارک رمضان که ظرف نزول قرآن است نقش آفرینی عترت نیز باید به درستی فهم و تبیین گردد.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان (zeini@theo.usb.ac.ir).

۲. دانشیار و عضو هیئات علمی گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) (seyedahmad.aghili@yahoo.com).

۳. استادیار و عضو هیئات علمی الهیات دانشگاه پیام نور تهران مرکز (ameri52.mohamadreza@gmail.com).

درک درست شب قدر به همان اندازه که توجه به قرآن و تدبر در آیات آن را ضروری می‌سازد، توجه به نقش امام عصر علیه السلام در دوران غیبت را ضروری می‌سازد. انس با قرآن باید در ارتباط با امام زمان علیه السلام تکمیل گردد تا همراهی ثقلین در اندیشه دینی معنا دار باشد. مسئله اصلی این پژوهش این است که رابطه شب قدر با امام زمان علیه السلام چگونه است؟ بر اساس این مسئله، سؤالات اصلی پژوهش این است که اولاً شواهد رابطه امام زمان علیه السلام با شب قدر بر اساس دلایل نقلی و عقلی چیست؟ رابطه امام زمان علیه السلام با شب قدر چگونه است؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که رابطه قرآن با امام زمان علیه السلام به عنوان آخرین سلسله عترت همیشگی و معنا دار است و همچنین امام زمان علیه السلام در شب قدر و ظرف نزول قرآن، در تقدیر انسان‌ها نقش اساسی دارد. برای پاسخ به پرسش‌های این پژوهش ابتدا خوانش‌های مختلف از قدر تبیین می‌گردد و سپس با تبیین ظرف زمانی و مکانی نزول قرآن و اثبات توأمان نقلی و عقلی تداوم شب قدر، ظرف مکانی نزول قرآن تبیین می‌گردد و در ادامه نقش امام زمان علیه السلام در فرایند تقدیر انسان‌ها تبیین می‌گردد.

تحلیل اول از معنای قدر

معنای قدر، قدر و منزلت است که می‌فرماید: از هزار ماه بهتر است، و شرافت زمان و مکان به سبب خصوصیت زمان و مکان نیست بلکه به سبب جهاتی است که در آن زمان یا مکان واقع شده است؛ کعبه معظمه برای بیت‌الله حرام؛ بعثت حضرت رسالت؛ ولادت آن حضرت و امیرالمؤمنین علیه السلام؛ دعای حضرت ابراهیم علیه السلام و بنای حضرت آدم علیه السلام و سایر امور بوده، مدینه برای هجرت حضرت و مدفن حضرت و ائمه بقیع و صدیقه طاهره علیه السلام و رواج دین اسلام؛ نجف برای مدفن امیرالمؤمنین علیه السلام و چهار پیغمبر؛ کربلا و همچنین سایر مشاهد مشرفه؛ و مساجد برای محل عبادت است. حتی مجالس مؤمنین و علماء؛ همچنین از منتهی اعیان بعثت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ولادت آن حضرت و ائمه اطهار علیه السلام و نصب امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر، و ماه رمضان برای روزه و سایر از منتهی شریفه، و شرافت شب قدر برای نزول قرآن است که لیله مبارکه است و برکات شب قدر هم به واسطه برکات قرآن است، بلکه می‌توان گفت که فضائل ماه مبارک رمضان هم برای نزول قرآن است (طیب، ۱۳۷۸: ج ۱۴، ۱۷۸) که می‌فرماید:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (بقره:

۱۸۵).

تحلیل دیگری از معنای قدر

قرائت دیگری از معنای قدر نیز گویای ویژگی خاص این سوره است؛ در این سوره آن شبی که قرآن نازل شده را شب قدر نامیده و ظاهراً مراد از قدر تقدیر و اندازه‌گیری است، پس شب قدر شب اندازه‌گیری است، خدای تعالی در آن شب حوادث يك سال را یعنی از آن شب تا شب قدر سال آینده را تقدیر می‌کند، زندگی، مرگ، رزق، سعادت، شقاوت و چیزهایی دیگر از این قبیل را مقدر می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۵۶۲).

حاصل سخن این که شب قدر از شب‌های منحصر به فرد در قرآن، روایات و متون دینی است؛ تقارن نزول قرآن در ماه رمضان و هم‌زمانی آن در شب قدر بیانگر اهمیت ویژه این شب و مرتبت منحصر به فرد آن است. تعیین جمیع مقدرات بندگان در شب قدر از ویژگی‌های خاص و حائز اهمیت این شب است. در شب قدر سرنوشت بندگان معین می‌شود، آیه شریفه می‌فرماید: «فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (دخان: ۴) در آن شب مبارك بر وفق حکمت الهی، تقدیرات تفریق و تفصیل می‌شوند. اجل‌ها، رزق‌ها، توفیقات و سرنوشت یک‌ساله، در چنین شبی ترسیم می‌شود. ابن منظور تفریق را به معنای جدایی میان دو چیز می‌داند و در ارتباط میان تفریق و تفصیل نیز با عبارت «فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ؛ أَيْ يَفْضَلُ» تفریق را به معنای تفصیل می‌داند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ۳۰۰) در تبیین معنای تفریق و تفصیل علامه طباطبایی نیز با توجه به معنای لغوی و پس از اشاره به «جدا کردن چیزی از چیز دیگر» در معنای تفریق، در مورد شب قدر معتقدند که شبی است که امور از مرحله احکام و ابهام به مرحله فرق و تفصیل بیرون می‌آیند که از جمله امور یکی هم قرآن کریم است، که در شب قدر از مرحله احکام درآمده، و نازل می‌شود (یعنی در خور فهم بشر می‌گردد) در ادامه ایشان گونه‌ای دیگر از تفصیل و تفریق را این می‌داند که خداوند پیامبر ﷺ را در شب قدر به جزئیات حوادث آشنا ساخته است (طباطبایی، ۱۴۰۲ق: ج ۱۸، ۱۳۲)؛ از توضیح علامه طباطبایی توان دریافت که شب قدر، شبی است که امور با تأکید بر جزئیات مقدر می‌شود.

دامنه تقدیر سرنوشت انسان در این شب دارای گستره زمانی و موضوعی تا رستاخیز است؛ چنان‌که حضرت علی ع به نقل از پیامبر ص می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَّرَ فِيهَا مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۳۱۵)؛
خداوند متعال در آن شب، آنچه را تا روز قیامت خواهد شد، مقدر کرده است.

همچنین در روایتی از امام صادق ع بر دامنه تقدیر در تمامی شئون زندگی اشاره شده

است:

يَقْدَرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ قَابِلٍ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ أَوْ مَوْلُودٍ أَوْ أَجَلٍ أَوْ رِزْقٍ (ابن بابويه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۱۵۸)؛

یعنی در شب قدر همه آنچه در طول سال پیش رو تا سال آینده اتفاق خواهد افتاد اعم از کار نیک و بد، اطاعت و معصیت، تولد و مرگ و رزق و روزی همگی تعیین می‌گردد.

این روایات نیز معنای ارائه شده از تفریق و تفصیل را تأیید می‌کند؛ زیرا به صراحت به جزئیات آن چه برای انسان مقدر می‌شود، اشاره دارد.

این نکته خالی از لطف نیست که بدانیم بر طبق برخی روایات، نعمت «ولایت»، سرآمد نعمت‌ها و خواهش جمله شیعیان در شب قدر تقدیر شده است؛ در روایتی به نقل از حضرت علی علیه السلام آمده است که ایشان می‌فرماید:

قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ أَتَدْرِي مَا مَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقُلْتُ لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَّرَ فِيهَا مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَكَانَ فِيهَا قَدَرٌ عَزَّوَجَلَّ وَوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (ابن بابويه، ۱۴۰۳ق: ۳۱۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۳۵۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۶۲۹)؛

روزی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از من پرسیدند: ای علی آیا می‌دانی لילה القدر چیست؟ گفتم: نه یا رسول الله. حضرت فرمودند: شب قدر شبی است که تمام مقدرات تا قیامت تقدیر می‌شود. یکی از آن چیزهایی که تقدیر می‌شود ولایت تو و فرزندان توست.

تبیین لزوم تداوم شب قدر (ظرف زمانی نزول قرآن)

نکته قابل توجه در رابطه با شب قدر این است که این شب منحصر در یک شب و یک سال خاص نیست بلکه علاوه بر تصریح نص قرآن، بر اساس دلایل نقلی و عقلی نزول فرشتگان در سال‌های پس از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز قابل اثبات است.

۱. تبیین نقلی

ظاهر آیات این سوره نشان می‌دهد که شب قدر مخصوص زمان نزول قرآن و عصر پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبوده، بلکه همه ساله تا پایان جهان تکرار می‌شود. تعبیر به فعل مضارع [تَنْزَلُ] که دلالت بر استمرار دارد، و همچنین تعبیر به جمله اسمیه «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» که نشانه دوام است نیز گواهِ بر این معنی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲۷، ۱۹۱).



به علاوه روایات بسیاری که شاید در حد تواتر باشد نیز این معنی را تأیید می‌کند. در روایتی راوی در مورد شب قدر از امام صادق علیه السلام می‌پرسد که آیا [شب قدر] در هر سالی وجود دارد، حضرت در پاسخ می‌فرماید:

لَوْ زُفِعَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ لُرْفِعَ الْقُرْآنُ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۱۵۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۱۶۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۷۱۲).

در این روایت موجودیت قرآن مشروط بر وجود شب قدر در هر سالی است؛ بنابراین چنانچه کسی منکر این حقیقت باشد، قرآن را منکر شده است. روایت مشهوری که اشاره شد بدین معناست که اگر شب قدر را برداند، قرآن را نیز برخواهند داشت. یعنی وقتی که در آخرالزمان بعد از فوت معصوم قرآن را بردارند در آن زمان معصومی نخواهد بود که ملائکه و روح بر او نازل شوند شب قدر نیز نخواهد بود. تبیین عقلانی این روایت نیز به این صورت است که هدف از هبوط انسان به زمین این است که انسان آزمایش شود، و در فراز و فرود مشخص شدن انسان‌هایی شقی از سعادت‌مند، مسیر کمال را در پیش گیرد؛ بنابراین باید زمین برقرار باشد تا انسان سیر تکاملی خویش را دنبال کند؛ برقراری زمین نیز نیازمند این است که امورات جهان بر مبنای تقدیر و تدبیر باشد و این تقدیر و تدبیر مربوط به شب قدر و حضور ولی خداست؛ زیرا استقرار و بقای جهان نیاز به کتاب معرفت و شناخت و عمل دارد؛ یعنی حرکت تکاملی انسان نیاز به کتاب و حجت الهی دارد؛ برداشتن شب قدر به برهم خوردن نظم این جهان می‌انجامد، با برداشته شدن شب قدر، قرآن و به تبع آن تکلیف و فعلی باقی نخواهد بود؛ بنابراین تا جهان است شب قدر نیز است و تا شب قدر است قرآن نیز باید باشد و تا زمانی که این دو است، حجت نیز باید باشد؛ زیرا صاحب شب قدر و حامل قرآن است و با وجود این دو، حرکت تکاملی انسان برقرار است؛ به عبارتی هرچیزی در مسیر کمال است که به پیروی از این دو (قرآن و حجت) سیر می‌کند.

در روایت دیگر آمده است که چون آن حضرت از دنیا برود بعد از آن حضرت چهل روز دیگر دنیا خواهد بود و دابة الارض بیرون می‌آید و بعد از آن اسرافیل صور می‌دمد و همه خواهند مرد و چند روزی که خواهد شد نفخه دیگر دمیده شود و قیامت برپا خواهد شد پس تا تکلیف هست صاحب الامر یا غیر آن حضرت از معصومین خواهند بود و چون معصوم برطرف می‌شود شب قدر و قرآن همه برطرف خواهند شد (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ج ۶، ۵۹۱). احتمالاً این روایت ناظر بر مراحل پایانی برقراری دنیاست که رجعت صورت گرفته است.

محمد باقر مجلسی نیز در شرح بر این روایت و در توضیح «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا»

می گوید:

فإن قوله تعالى «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا» يدل على الاستمرار التجددی و قيل: المراد أنه لورفعت ليلة القدر و لم تنزل الملائكة و الروح فيها على الإمام لتبيين أحكام القرآن لتعطل القرآن و ذهب فائده و لا يخفى بعده (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ۳۸۷).

شیخ صدوق به سبب اهمیت این بحث «باب العلة التي من أجلها تكون ليلة القدر في كل سنة» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۳۸۹) را به همین مضمون اختصاص داده است و از حدیث «لَوْ رُفِعَتْ...»، یاد کرده است. این روایت به خوبی پیوند میان قرآن و حجت الهی و استقرار زمین را برقرار می سازد.

این مضمون در روایتی دیگر به گونه ای متفاوت بیان شده است:

و رُوِيَ عَنْ أَبِي ذَرِّزَنِی اللَّهِ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ شَيْءٌ يَكُونُ عَلَى عَهْدِ الْأَنْبِيَاءِ يَنْزِلُ فِيهَا عَلَيْهِمُ الْأَمْرُ فَإِذَا مَضَوْا رُفِعَتْ قَالَ لَا بَلْ هِيَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۱۶ق: ج ۲۵، ۹۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۷۱۵)؛

از ابوذر روایت شده است که گفته به رسول خدا ﷺ عرضه داشتم یا رسول الله آیا شب قدر شبی است که در عهد انبیاء بوده و امر بر آنان نازل می شده و چون از دنیا می رفتند نزول امر در آن شب تعطیل می شده است؟ فرمود: نه بلکه شب قدر تا قیامت هست.

خُمران از حضرت باقر علیه السلام از «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ» پرسید، حضرت فرمود:

نَعَمْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ هِيَ فِي كُلِّ سَنَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ... (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۱۵۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۱۵۷).

پس معلوم شد آنچه تمامی روایات مختلف اهل بیت علیهم السلام در آن اتفاق دارند این است که شب قدر تا روز قیامت باقی است، و همه ساله تکرار می شود. در ادامه در بخش بعد به مناسبتی دیگر روایاتی از این دست بیان خواهیم نمود.

۲. تبیین عقلی

دلیل عقلی بر وجود شب قدر با طرح مقدمه ای کوتاه از سوی علامه طباطبایی تبیین می - شود؛ ایشان با تأکید بر لزوم تقدیر و اندازه گیری امور در شب قدر، ضرورت وجود چنین شبی برای تقدیر امور بندگان را مطرح نموده و از آن استفاده کرده اند که شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و آن سالی که قرآن در آن شبش نازل شد نیست، بلکه با تکرار سنوآت، آن شب هم مکرر می شود، پس در هر ماه رمضان از هر سال قمری شب قدری هست، که در آن شب امور سال آینده تا شب قدر سال بعد اندازه گیری و مقدر می شود (طباطبایی، ۱۴۰۲ق: ج ۲۰، ۳۲۰). علامه



در ادامه به فرض قبول امکان شبی که قرآن در گذشته در آن تماماً نازل شده، این فرض را که در آن شب تمامی حوادث آینده تعیین گردد، منتفی دانسته و اقوال مختلف در انحصار شب قدر را مردود دانسته است (همان: ۵۶۳).

اهمیت باور به وجود شب قدر تا بدان جاست که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام قائلین به این که شب قدر با رحلت پیامبر پایان پذیرفته را مرتد دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۲۴۹).
تا بدین جا نتیجه بحث آن که در شب قدر سرنوشت انسان ها و به طور کلی تحولات جهان ترسیم می شود و دانستیم که شب قدر منحصر به سالی خاص نیست بلکه همه ساله تکرار می شود؛ یعنی در هر سال شبی است که در آن شب فرشتگان از آسمان فرود می آیند. حال سؤال مطرح می شود که فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند؟ در ادامه مقاله به کمک قرآن و روایات و دلایل عقلی به اثبات این موضوع پرداخته می شود که باید حجت خدا بر روی زمین باشد تا فرشتگان بر او اجلال نزول نمایند.

تبیین لزوم همراهی و پیوستگی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و شب قدر (ظرف مکانی نزول قرآن)

واکاوی موضوع مهدویت و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام با کاوش در باطن و اعماق قرآن از مسائل اساسی عقیدتی است؛ قرآن همان طور که به توحید، معاد، و نبوت پرداخته به امامت نیز پرداخته است؛ توضیح این که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام آخرین سلسله معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام است و واکاوی موضوع مهدویت در قرآن به معنای کاوش در مسئله مهم امامت است. امامت دنباله حرکت انبیاء در مسیر اصلاح و تربیت بشریت است. کاوش در مسئله امامت در دوران غیبت با رویکرد به آیاتی که تداعی کننده حتمیت ظهور و غلبه حق بر باطل با ظهور منجی مستضعفان دارد، ضرورتی اجتناب ناپذیر است و بی مدد مذاقه و بازکاوی آیات قرآن با رویکرد تفکر مهدوی، امامت ناشناخته می ماند، بسیاری از مفاهیم آن نامکشوف مانده و متبلور نمی گردد؛ در نتیجه رسیدن به سرمنزله هدایت میسر نمی گردد و هر رهروی بدون شناخت امام خود ره به جایی جز ناکجا آباد نمی برد؛ از این روست که در روایتی مشهور مرگ بدون شناخت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام مرگ در جاهلیت نامیده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۳۷۷). پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

تا بدین جا ضرورت ظرف زمانی نزول فرشتگان به اثبات رسید در این بخش می خواهیم ضرورت ظرف مکانی و یا به عبارتی نزول گاه فرشتگان در شب قدر را بررسی نمائیم.
هنگامی که در بررسی آیات قرآنی به این نتیجه می رسیم که شب قدر در هر سال هست، باید

توجه کنیم که پس صاحبِ شب قدر نیز باید همیشه وجود داشته باشد؛ چنان که در احادیث آمده است وگرنه فرشتگان بر چه کسی فرود می‌آیند و کتابِ تقدیر را نزد چه کسی می‌گشایند و مجاری امور را به اذن خدا به چه کسی می‌سپارند.

برای بررسی و تحلیل روایات و نیز سایر قرائن موجود می‌توان به مطلب فوق از دو منظر و دیدگاه متفاوت با نتیجه یکسان نگریست:

دیدگاه نخست

در روایات [این روایات مؤید تبیین نقلی شب قدر در بخش پیشین مقاله نیز است] وارد آمده در مورد شأن و منزلت شب قدر، بارها آمده است که اعمال انسان‌ها بر دلیل و حجت خداوند در روی زمین عرضه می‌شوند. حجت‌های خدا بر روی زمین باید مانند حضرت رسول ﷺ صفات خاصی را دارا باشند تا بتوانند جانشین حضرتش باشند. فرشتگان و جبرئیل در زمان حیات پیامبر ﷺ هر سال در شب قدر بر آن حضرت نازل می‌شدند پس از رحلت آن حضرت نیز باید بر کسی نازل شوند و آن کس باید متصف به صفات حضرت رسول ﷺ باشد و آن وجود کسی نیست جز جانشینان معصوم حضرت یعنی همان کسانی که پس از حضرت، خلیفه واقعی او در زمین‌اند.

به امام صادق علیه السلام گفته شد:

تَعْرِفُونَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقَالَ وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ الْمَلَائِكَةُ يَطُوفُونَ بِنَا فِيهَا بَحْرَانِي،
 ۱۴۱۶ق: ۵، ۷۱۷).

همچنین در روایتی مشابه امام باقر علیه السلام به ابوهدیل فرمود:

يَا أَبَا الْهُدَيْلِ إِنَّا لَا يُحَقُّ عَلَيْنَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَطُوفُونَ بِنَا فِيهَا (صفا، ۱۴۰۴ق: ۲۲۲)؛

از حضرت سؤال شد آیا شما می‌دانید شب قدر کدام شب است؟ فرمود: چگونه نمی‌دانیم، در حالی فرشتگان در آن شب در گرد ما دور می‌زنند.

در جایی دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام مکرر به اصحاب خود می‌فرمود هرگاه تیمی^۱ و عدوی^۲ (ابوبکر و عمر) خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند و آن حضرت سوره «انا انزلناه» را با خشوع و گریه تلاوت می‌فرمود، می‌گفتند: چقدر در این سوره دلت

۱. مراد قبیله بنی تیم است که ابوبکر منتسب به آن است.
 ۲. مراد قبیله بنی عدی است که عمر منتسب به آن است.

می سوزد، پیغمبر ﷺ می فرمود:

برای آنچه چشمم (فرشتگان را در شب قدر) دیده و دلم (بیان هر امر محکم را در آن شب) فهمیده و نیز برای آنچه دل این شخص (علی علیه السلام) پس از من در می یابد آنها می گفتند: مگر شما چه دیده ای و او چه می بیند؟ حضرت برای آنها روی خاک می نوشت «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْتِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» سپس می فرمود: پس از این که خدای عزوجل فرماید «هر امری» دیگر چیزی باقی می ماند؟ می گفتند: نه، می فرمود: می دانید آن که هر امری بر او نازل می شود کیست؟ می گفتند: تو هستی ای رسول خدا، می فرمود: آری، اما شب قدر بعد از من هم می باشد؟ می گفتند: آری، می فرمود: در شب های قدر پس از من هم آن امر نازل می شود؟ می گفتند: آری. می فرمود: به چه کسی نازل می شود؟ می گفتند: نمی دانیم، پیغمبر دست بر سر من می گذاشت و می فرمود: اگر نمی دانید، بدانید، آن شخص پس از من این مرد است، سپس آن دو نفر شب قدر را بعد از رسول خدا ﷺ می شناختند، به واسطه هراس سختی که در دل آنها می افتاد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۵۰؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ج ۷، ۴۵۶؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش: ج ۴، ۸۳۵).

این روایت علاوه بر آنچه گفته شد دلالت دارد که شب قدر یکی از مهم ترین سندهای مورد استفاده پیامبر ﷺ برای امامت علی ابن ابی طالب علیه السلام بوده است. به همین دلیل است که معصومان ابتدای اصلی احتجاج بر حقانیت شیعه را سوره قدر دانسته اند:

ای گروه شیعه: با سوره «انا انزلناه» (با اهل سنت) مخاصمه و مباحثه کنید تا پیروز شوید، به خدا که آن سوره پس از پیغمبر حجت خدای - تبارک و تعالی - است بر مردم و آن سوره سرور دین شماس است (بزرگ ترین دلیل مذهب شماس است) و نهایت دانش ماست (زیرا کاشف از شب قدر است و در آن شب مکنونات علمی برای ما هویدا می گردد) ای گروه شیعه با آیات «حم* وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ* اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَكَةٍ اِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» مخاصمه کنید، زیرا این آیات مخصوص والیان امر امامت است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۵۰).

اهمیت تأکید معصومان بر احتجاج با مخالفان با تأکید بر سوره قدر این است که نحوه احتجاج در این سوره به گونه ای است که توأمان دلیل نقلی و عقلی - چنان که در ادامه مقاله همگرایی دلیل عقلی و نقلی تبیین می شود - است.

در روایتی به نقل از پیامبر ﷺ آمده است که به لیلۃ القدر ایمان بیاورید که در مورد علی ابن ابی طالب و فرزندان اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۳). از ابی یحیی صنعانی روایت شده

حضرت صادق علیه السلام می فرمود روزی جدّم امیرالمؤمنین علیه السلام قرائت نمود سوره ﴿نَا أَنْزَلْنَاهُ﴾ را و حسنین حضور آن بزرگوار نشسته بودند حضرت امام حسین علیه السلام رو کرد به پدر خود گفت یا امیرالمؤمنین می بینم هر وقت تلاوت می نمائید این سوره را حظی و لذتی از قرائت آن می برید فرمود چنین است ای فرزند آن سوره چون بر جدّت خاتم پیغمبران نازل شد بر من قرائت نمود و دست مبارکش را بر کتف من گذاشت و فرمود ای علی و ای وصی من بر امت و ای جهادکننده با دشمنان من تا روز قیامت، این سوره مخصوص تو می باشد بعد از وفات من و اختصاص به فرزندان تو دارد بعد از تو برادرم جبرئیل مقدّرات، حوادث و پیش آمدهای امت را در هر سال فرود آورد و نازل کند بر تو و فرزندان در شب قدر چنان که بر من نازل می کند... (بروجردی، ۱۳۶۶ش: ج ۷، ۴۶۲؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۹۴).

معصومین علیهم السلام به درستی به تبیین این واقعیت پرداخته اند که آنان صاحبان شب قدرند و از سوی دیگر دلایل منکران وجود شب قدر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را به خوبی تبیین نموده اند در ضمن روایتی نسبتاً طولانی در تبیین و تفسیر ﴿نَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾: امام سجاد علیه السلام با استناد به آیه ۲۵ سوره مبارکه انفال ﴿وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾؛ و از فتنه ای که تنها به ستمکاران شما نمی رسد بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است و آیه ۱۴۴ سوره مبارکه آل عمران ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾؛ و محمد، جز فرستاده ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی گردید؟ و هر کس از عقیده خود بازگردد، هرگز هیچ زبانی به خدا نمی رساند، و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می دهد می فرماید: چون محمد بمیرد، مخالفین امر خدای - عزوجل - گویند. «شب قدر هم با پیغمبر صلی الله علیه و آله درگذشت» این فتنه ای بود که تنها به آنها رسید و به سبب آن به عقب برگشتند، زیرا اگر می گفتند شب قدر (بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله) از میان نرفته ناچار برای خدای عزوجل در آن شب امری لازم است (که فرود آید) و چون به امر اعتراف کردند، چاره ای نیست جز این که صاحب الامر هم باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۴۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش: ج ۴، ۸۳۵).

براساس مفاد روایت امام با مراجعه به تفاسیر عامه، توجیهاات بی اساس آنها به خوبی مشهود است (ر.ک: قاسمی، ۱۴۱۸ق: ج ۹، ۵۱۸؛ ابن عاشور، بی تا: ج ۳، ۴۰۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳۲، ۲۳۴).

از امام باقر علیه السلام روایت شده که:

... وَ أَيْمُ اللَّهِ إِنَّ مَنْ صَدَّقَ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ لَيَعْلَمَنَّ أَنَّهَا لَنَا خَاصَّةٌ لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
 لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ دَنَا مَوْتُهُ هَذَا وَلِيَكُم مِّنْ بَعْدِي فَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ رَسَدْتُمْ (كليني، ۱۴۰۷ ق: ج ۱،
 ۲۵۳)؛

قسم می‌خورم به خدای تعالی به درستی هر که تصدیق به بقاء لیلۃ القدر کرده هر آینه می‌داند که امارت آن شب از ماست و بس به واسطه قول رسالت پناه صلی الله علیه و اله مر علی علیه السلام را وقتی که نزدیک شد مرگ رسول که این صاحب امر لیلۃ القدر است و ولی شما است بعد از من پس اگر اطاعت کردید او را، راه راست یافتید.

نزول ملائکه بر تمامی ائمه عليهم السلام یکی پس از دیگری، امری است حتمی که روایات مذکور مؤید ضرورت آن است؛ بنابراین بهترین دلیل بر امامت و وجود امام زمان عليه السلام سوره قدر است و در زمان ما که حجت الهی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است. در شب قدر فرشتگان بر ایشان نازل شده و به محضر ایشان شرف حضور می‌یابند.

قرآن در بهترین ظرف زمانی (شب قدر) و بهترین ظرف مکانی (قلب معصوم) نازل شده است. این معنا در روایتی از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم مشهود است که می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ الْجُمُعَةَ وَمِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَمَضَانَ وَمِنَ اللَّيَالِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۲۸۲)؛
 ... خداوند از روزها، جمعه و از ماه‌ها رمضان و از شب‌ها شب قدر را برگزیده است.

در ذکر اعمال شب قدر، شیخ عباس قمی موارد زیادی بر می‌شمرد که در میان آنها دعای فرج به چشم می‌خورد، این دعا می‌تواند به این نکته مهم اشاره کند که ارتباط با امام زمان عليه السلام در این شب معنا دار است. و ارتباط با قرآن را ارتباط با امام زمان عليه السلام تکمیل می‌شود. علاوه برای دعای فرج، که بیانگر پیوستگی قرآن و اهل بیت است، زیارت اهل بیت عليهم السلام و به خصوص امام حسین عليه السلام سفارش شده است. در کامل الزیارات، زیارت امام حسین عليه السلام در این شب موجب آمرزش نامیده شده:

إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ نَادَى مُنَادٍ تِلْكَ اللَّيْلَةَ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَفَّرَ لِسَانَ زَارِقِ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق: ۱۸۴)؛

هنگامی که شب قدر فرا رسد که در آن شب هر امر محکمی، تفصیل می‌یابد، یک منادی در آن شب از درون عرش ندا می‌زند: همانا خداوند تعالی هر آن کس را که در این شب به زیارت قبر امام حسین عليه السلام آمده، آمرزید.

همچنین در روایتی از امام صادق عليه السلام آمده است:

وَقَدْ تَقَدَّمَ فِي كَيْفِيَةِ الصَّلَاةِ حَدِيثُ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ وَغَيْرُهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله لَيْلَةَ الْإِسْرَاءِ - فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَىٰ أَنْ اقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - فَإِنَّهَا نِسْبَتِي وَنَعْتِي ثُمَّ أَوْحَىٰ إِلَيْهِ فِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ مَا قَرَأَ الْحَمْدَ - أَنْ اقْرَأْ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ - فَإِنَّهَا نِسْبَتُكَ وَنِسْبَةُ أَهْلِ بَيْتِكَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ۷۹)؛

خداوند در شب معراج به پیامبر صلى الله عليه وآله وحی نمود که در رکعت اول از نماز سوره توحید را بخواند زیرا در مورد نسبت من [خداوند] است و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قدر را بخواند که نسبت پیامبر صلى الله عليه وآله و اهل بیت ایشان تا زور قیامت است.

براساس این روایت، دامنه نسبت شب قدر با اهل بیت عليهم السلام به حوزه تبیین کیفیت قرائت نماز نیز وارد شده است و توحید و امامت در رکعت اول و دوم نماز جلوه‌گر شده است. اختصاص این شب به اهل بیت تا بدان جاست که در روایتی از امام صادق عليه السلام گفته شده در صورتی که کسی در این شب سوره قدر را هزار بار قرائت کند در مورد [حقانیت] اهل بیت به یقین خواهد رسید:

لَوْ قَرَأَ رَجُلٌ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَلْفَ مَرَّةٍ لَأَصْبَحَ وَهُوَ شَدِيدُ الْيَقِينِ بِالْاعْتِرَافِ بِمَا يُحْضُ بِهِ فِينَا وَمَا ذَاكَ إِلَّا لِشَيْءٍ عَايَنَهُ فِي نَوْمِهِ (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۱۰۱)؛

اگر شخصی سوره قدر را در شب بیست و سوم ماه رمضان هزار بار بخواند صبح هنگام یقینش به حق خاصه ما (اهل بیت) شدید می‌شود و این شدت یقین به خاطر چیزی است که در خواب می‌بیند.

از آن جا که تولی بدون تبری کامل نمی‌شود؛ شب قدر با برائت از دشمنان اهل بیت عليهم السلام نیز گره خورده است؛ در روایتی تفسیری - تأویلی از پیامبر صلى الله عليه وآله روایت شده است که در شب قدر در خواب دیده است که بنی‌امیه از منبر ایشان بالا می‌روند، و سپس حضرت اندوهگین شده است اما جبرئیل بشارت داده است که آنها اندکی حکومت خواهد کرد و «خیر من الف شهر» را به این تفسیر نموده است که یک شب قدر که قرآن بر اهل بیتش نازل می‌شود از هزار ماه حکومت بنی‌امیه برتر است.^۱

۱. «وَأُرِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي مَنَامِهِ بَنِي أُمِّيَّةٍ يَصْعَدُونَ مِنْبَرَهُ مِنْ بَعْدِهِ يُصَلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرِيِّ فَأَصْبَحَ كَثِيبًا حَزِينًا فَهَبَطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيبًا حَزِينًا قَالَ يَا جِبْرَائِيلُ إِنِّي رَأَيْتُ بَنِي أُمِّيَّةٍ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ يَصْعَدُونَ مِنْبَرِي مِنْ بَعْدِي يُصَلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرِيِّ فَقَالَ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ مَا أَظْلَعْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ عَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ فَلَمْ تَلْبَثْ أَنْ نَزَلَ عَلَيْهِ بَأْسٌ مِنَ الْقُرْآنِ يُؤْنِسُهُ بِهَا أَقْرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ. ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ. مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَزِينٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ جَعَلَ

ابن ابی الحدید معتزلی با مقایسه شب قدر با هزار ماه حکومت بنی امیه، پس از عبارت « قوله فی تفسیر قوله تعالی لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ قَالَ أَلْفِ شَهْرٍ يَمْلِكُ فِيهَا بَنُو أُمِيَّةِ » می گوید:

وورد عنه من ذمهم الكثير المشهور نحو قوله أبغض الأسماء إلى الله الحكم وهشام و الوليد. وفي خبر آخر اسما يبيغضهما الله مروان والمغيرة. ونحو قوله إن ربكم يحب و يبغض كما يحب أحدكم و يبغض وإنه يبغض بنو أمية و يحب بنو عبدالمطلب (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۹، ۲۲۱):

از آن حضرت روایات زیادی در نکوهش بنی امیه آمده است مانند این سخن حضرت که مبعوض ترین اسم ها نزد خداوند متعال اسامی حکم و هشام و ولید است، و در روایت دیگری مروان و مغیره دو نامی هستند که حضرت آن را مبعوض دانسته و نیز مانند این روایت حضرت که فرمود: خداوند دوست دارد و مبعوض می شمارد همان گونه که یکی از شما فردی را دوست دارد یا مبعوض می دارد، خداوند بنی امیه را مبعوض می دارد و بنی عبدالمطلب را دوست دارد.

با توجه به دلایل عقلی و نقلی که پیش از این بیان شد، قابل درک است که وجود مقدس امام زمان علیه السلام در آخر الزمان تنها منزل فرشتگان است و می توان چنین استنباط کرد که روح لیلۃ القدر همان امام زمان علیه السلام است و این شب تنها با وجود مقدس حضرتش معنا و مفهوم پیدا می کند.

در روایت دیگر است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ إِنَّمَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةَ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۸۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۹۲-۷۹۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۷۱۵).

حال با توجه به چنین روایاتی که در آنها مراد از لیلۃ القدر وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام معرفی شده، این سؤال پیش می آید که آیا در روایات تشدید و تناقضی است و یا این که روایات حامل نکته مهمی است؟

پاسخ را با حدیثی منقول از امام صادق علیه السلام تبیین می نمائیم. حضرت به نقل از جدشان حضرت امیرمؤمنان می فرماید:

امیرالمؤمنین علیه السلام به ابن عباس فرمود همانا شب قدر در هر سالی هست و در آن شب

لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَتَبِيحُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مِنْ مُلْكِ بَنِي أُمِيَّةٍ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۱۵۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۵۹۰).

امر(سرنوشت و قضا و قدر) آن سال فرود می‌آید و برای آن امر سرپرستانی است بعد از رسول خدا ﷺ. ابن عباس گفت: آنها کیانند؟ فرمود: من هستم و یازده تن از فرزندان صلیبی من که امامان محدث باشند(کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ۴۸۰؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۳۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۶۲۱).

با توجه به حدیث فوق و احادیث فراوانی با این مضمون و با توجه به این که تمامی اهل بیت ﷺ از نوری واحدند(ابن بابویه، ۱۳۷۶ش: ۲۳۶؛ قمی، ۱۴۱۴ق: ج ۸، ۳۴۴)، هر ویژگی برای یکی قابل تسری به دیگری است. به علاوه این که، حضرت زهرا ﷺ خود مادر یازده امام و جانشینی است که به همراه شوهرش سلسله وارثان پدرش را در امر ولایت دنبال می‌کنند. بنابراین اگر می‌بینیم در برخی روایات فاطمه، شب قدر است^۱ و یا این که فضائل ناشمردنی در مورد ذات مقدسش می‌شنویم جملگی دلالت بر این دارد که تنها او شایستگی این را دارد که یازده خورشید هستی بخش را به عالمیان ببخشد؛ بنابراین چنانچه بگوئیم فاطمه شب قدر است مثل این است که بگوئیم امام حسن شب قدر است و همین گونه تا آخرین دردانه حضرت زهرا ﷺ یعنی وجود مقدس امام زمان ﷺ. شاید از همین نکته می‌توان دریافت که هر کس فاطمه را بشناسد شب قدر را درک کرده است چون دانستیم که مراد از فاطمه شخص ایشان به تنهایی نیست؛ از همین نکته است که باید اهل بیت را جملگی در شب قدر شفیع قرار دهیم و خداوند را حمد و سپاس گوئیم که نعمت ولایت را برای مان مقدر ساخت چنان که در روایتی از امام صادق ﷺ در پاسخ به مفضل از نعمت ولایت به عنوان «فضل مشهود» یاد شده و حضرت در پاسخ سؤال مفضل به این که فضل این شب چیست فرمودند:

نزلت ولاية أمير المؤمنين ﷺ فيها... نعم هي ليلة قدرت فيها السموات والأرض، و قدرت ولاية أمير المؤمنين ﷺ فيها(کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ۴۸۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۶۲۱).

دیدگاه دوم

با رویکرد دیگر و با تأکید بر حدیث مشهور و متواتر ثقلین قابل بررسی است. با توجه به این حدیث شریف می‌توان تعلق شب قدر به معصومین ﷺ و در نتیجه نزول فرشتگان را بر ذوات

۱. از امام صادق ﷺ درباره تفسیر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» پرسیده شد، آن حضرت فرمود: «معنای کلمه "ليلة" فاطمه و معنای کلمه "قدر" یعنی خدا، پس کسی که فاطمه را آن طور که باید و شاید بشناسد ليلة القدر را درک نموده است»(کوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۸۱).

مقدس آنان اثبات کرد؛ توضیح این که مفاد این حدیث جز این نیست که قرآن و عترت همواره دوشادوش یکدیگر باید مورد توجه باشد، قرآن و عترت هر دو به موازات یکدیگر در جریان هدایت در حرکتند نمی توان برای قرآن در شب قدر نقطه عطفی متصور شد در حالی که عترت را نادیده گرفت؛ چنانچه شب قدر برای قرآن حادثه‌ای مهم در نزول است باید برای عترت هم حادثه‌ای ترسیم گردد تا نقش ثقلین بی عترت ناقص نگردد این معادله ممکن نیست مگر این که نزول قرآن با وجود عترت در این شب ارتباطی معنادار داشته باشد؛ بنابراین در این شب [در ظرف زمانی نزول ملائکه] و در فرآیند نزول باید برای عترت نقشی مؤثر و در خور ثقلش (قرآن) جستجو شود تا در سایه آن نزول قرآن به عنوان کتاب هدایت در مسیر تکامل انسان به همراه عترت ره توشه‌ای برای بندگان باشد.

حال آیا بدون توجه به مقام والای عترت و نقش کارساز آن در فرایند تکامل بشر می توان احتمال دیگری را متصور شد؛ مگر این که جانب انصاف را فروگذارده و به ناحق سخنرانی کنیم. حاصل سخن این که تمسک و ایمان به ثقلین یعنی قرآن و عترت و به عبارتی اقامه درست توجه به این دو گوهر ناگسستنی این است که در شب قدر با تمسک به قرآن صامت و تلاوت آیات مبارکش و نیز توسل به قرآن ناطق یعنی معصوم دست مددخواهی و تضرع به دامن شان دراز نمائیم.

با توجه به آیات قرآن دانستیم که شب قدر در هر سال است بنابراین صاحب شب نیز باید همیشه وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت تفسیر درست آیات ناقص بوده و جز با توجیهاات بی اساس ممکن نیست زیر سؤال می شود که فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند، مقدرات را بر چه کسی عرضه می کنند به علاوه طبق روایت متواتر ثقلین و لزوم همراهی دو ثقل چنانچه قرآن تا روز محشر پا برجاست عدل آن یعنی عترت و حجت خدا نیز همواره وجود دارد. زمانی پیامبر ﷺ و بعد از حضرت به جانشینان برحقش منتقل می شود. حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام لزوم وجود قرآن و عترت در هر عصر را با تأکید بر شب قدر چنین توصیف می کند:

إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وَلَا بَعْدَ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۳)؛

شب قدر در هر سالی هست، در این شب امور همه سال فرو فرستاده می شود.

بنابراین حدیث زیبای ثقلین، به جز اثبات اصل «امامت» تداوم امامت را نیز اثبات می کند. این حدیث اثبات کننده امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است و از سویی تفسیر درست از شب قدر در سایه تفسیر ثقلین محقق می شود. از این روست که در برخی روایات سوره قدر بهترین دلیل

برای اثبات امامت در احتجاج با مخالفان بیان شده است؛ چنان که در روایتی آمده:

عن أبي جعفر عليه السلام، قال: يا معشر الشيعة، خاصموا بسورة إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ تفلجوا، فوالله إنها لحجة الله تبارك وتعالى على الخلق بعد رسول الله صلى الله عليه وآله، وإنها لسيدة دينكم، و إنها لغاية علمنا. يا معشر الشيعة، خاصموا بحم والكتاب المبين إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فإنها لولاة الأمر خاصة بعد رسول الله صلى الله عليه وآله (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۷۰۸).

حدیث ثقلین همان طور که هدایت را در تمسک به دو رکن قرآن و امام (قرآن ناطق) محقق می‌داند، تداوم و بقای امام و امامت را چونان تداوم و بقای قرآن اثبات می‌کند؛ بنابراین بر تمامی ولایت‌مداران لازم است شب قدر را قدر دانسته و پیش از هر چیزی و پیش از هر حاجتی ظهور امام زمان عجل الله فرجه را از خداوند التماس نمایند. نکته لطیف دیگری نیز از این زاویه نگاه قابل تأمل است و آن این است که به پیروان حضرت ولی عصر عجل الله فرجه می‌آموزد که چون در شب قدر که درگاه بهترین آمال و تقدیرات است، فرج حضرت مقدم است پس به طریق اولی و به تأسی از شب قدر در تمامی طول سال باید دعای فرج مقدم بر سایر خواسته‌های مان باشد. که اگر چنین شد شب قدر را در خور توان درک نموده‌ایم.

نتیجه‌گیری

با توجه به آیات قرآن و روایات فراوان دانستیم که شب قدر دارای قدر و منزلت فراوانی بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت انسان‌ها دارد و دانستیم که این شب به ضرورت وجود نظم و تقدیر باید همه‌ساله وجود داشته باشد؛ بنابراین نص قرآن و مفاد روایات فراوانی شب قدر را ظرف زمانی تقدیر امور معرفی نموده‌اند و چون اثبات شد که شب قدر همه‌ساله وجود دارد و همه‌ساله فرشتگان فرود می‌آیند ضرورت وجود نزول گاه فرشتگان و ضرورت وجود مجرای امور و کسی که مقدرات الهی را امضاء نماید مطرح می‌شود و با تفسیر درست حدیث ثقلین و لزوم همراهی شب قدر (ظرف زمانی) و اجراکننده (امام زمان عجل الله فرجه)، و این که تنها امام، انسان کامل و ظرف کلمات نورانی قرآن است، ضرورت وجود حجت الهی و واسطه فیض در جریان نزول فرشتگان و تقدیر امور اثبات گردید؛ بنابراین سوره قدر قوی‌ترین حجت بر حقانیت تشیع نیز است. نتایج مترتب بر یافته‌های فوق در شناخت امامت و امام زمان هر عصری به خصوص عصر غیبت حائز اهمیت است؛ با آگاهی از آنچه در این مقاله بدان پرداختیم روشن می‌گردد که بی‌شناخت امام زمان عجل الله فرجه شناخت ثقل اکبر معنا ندارد و چیزی جز جاهلیت نیست. بی‌مدد امام زمان عجل الله فرجه حرکت در مسیر روشن هدایت امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین باید در شب



قدر بهترین تقدیر که همان ظهور نجات بخشش است را از خداوند درخواست نمائیم؛ زیرا اوست که تنها بهانه برای شب قدر است. و تنها اوست که باید نقطه کانونی توجهات در شب قدر باشد؛ زیرا اگر شفاعت و وساطت آن بزرگوار نباشد گناهان بخشوده نمی‌گردد و سرنوشت آینده انسان به رستگاری و سعادت رقم نمی‌خورد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران: کتابچی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التنویر، بی جا: بی نا.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دارالمرتضویة.
۱۱. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، تحقیق: حسین استاد ولی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۱۳. بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶ش)، تفسیر جامع، تهران: انتشارات صدر.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۱۵. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآيات الظاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.
۱۷. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ*، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم: مکتبه آية الله المرعشی النجفی.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *المیزان*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامیة.
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
۲۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۴. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات الصدر.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸ق)، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۸. قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق)، *محاسن التاویل*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
۳۰. قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، *سفینة البحار*، قم: انتشارات اسوه.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۳۳. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۱۴ق)، *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیهه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

